

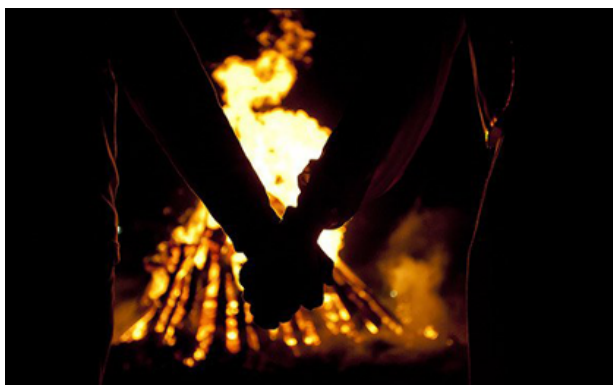


آثار باستانی و ارزش های تاریخی

سنگ اندازی ها در برگزاری جشن های ملی

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۸ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

سخنی درباره‌ی سخت‌گیری‌ها پیرامون برگزاری جشن سده علیرضا افشاری روزنامه‌نگار و کنشگر فرهنگی [متن کامل یادداشت - بندهایی از آن به خاطر کمبود جا در روزنامه‌ی قانون حذف شد] روزنامه‌ی قانون / ۲۷ بهمن ۱۳۹۵ اگر پی‌گیر موضوعات تاریخی و فرهنگی باشید حتماً درباره‌ی سخت‌گیری پیرامون برگزاری جشن سده، که به تازگی اعمال شد و حتی کار به آنجا کشید که مانع ورود گردشگران به مکان زرتشتی برگزاری این جشن‌ها شدند، شنیده‌اید که تا پیش از این مرسوم نبود و حتی مسلمانان علاقه‌مند به حضور در چنین برنامه‌ای هم کم‌وبی

سخنی درباره‌ی سخت‌گیری‌ها پیرامون برگزاری جشن سده



علیرضا افشاری روزنامه‌نگار و کنشگر فرهنگی [متن کامل یادداشت - بندهایی از آن به خاطر کمبود جا در روزنامه‌ی قانون حذف شد] روزنامه‌ی قانون / ۲۷ بهمن ۱۳۹۵

اگر پی‌گیر موضوعات تاریخی و فرهنگی باشید حتماً درباره‌ی سخت‌گیری پیرامون برگزاری جشن سده، که به تازگی اعمال شد و حتی کار به آنجا کشید که مانع ورود گردشگران به مکان زرتشتی برگزاری این جشن‌ها شدند، شنیده‌اید که تا پیش از این مرسوم نبود و حتی مسلمانان علاقه‌مند به حضور در چنین برنامه‌ای هم کم‌وبیش می‌توانستند در آن حاضر شوند. این موضوع تا به آنجا پیامد داشت که نماینده‌ی زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی نسبت به کسانی که این جشن را «مورد هجمه قرار داده‌اند» واکنش تندی نشان داد و در همین راستا امام جمعه‌ی اصفهان، محمدتقی رهبر، نیز در سخنانی این تندروی‌های مذهبی را سبب آسیب به کشور دانست.

به نظر می‌آید که این رفتار را باید در کنار نوع برخوردی که برای جلوگیری از گردهم‌آیی دوستداران تاریخ و فرهنگ ایران در آرامگاه کورش بزرگ انجام شد و دیگر برخوردهای کوچک و بزرگی که در سال جاری در جریان است قرار داد و به این نتیجه رسید که گویی هم‌سویی و توافقی حکومتی برای برخورد با مضامین ملی در نهادهای تصمیم‌گیری ارشد نظام صورت گرفته است. در این صورت این پرسش پیش می‌آید که سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ما بر پایه‌ی چه تحلیلی در شورای عالی امنیت ملی به این حوزه‌ی کاملاً فرهنگی ورود کرده‌اند؟

فراموش نکنیم ورود به بحث هفتم آبان به اندازه‌ای بود که افزون بر موضوع ممانعت صنف بزرگ آژانس‌های تور – که در موردی نامی مقام مربوط در استان اصفهان به رسانه‌ها درز پیدا کرد و سبب واکنش‌های بسیار در فضای مجازی و اعتراض رسمی شبکه‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد این حوزه گردید، و به نظر می‌رسد در موارد دیگر این دستور شفاهی ابلاغ شده باشد – این نهادها به فیلم‌سازی نیز روی آوردند و استدلال‌های عموماً گروه‌های قوم‌گرا و ایران‌ستیز را دستمایه‌ی ساختن فیلم‌هایی کوتاه برای پخش در فضای مجازی برای به زیر سؤال بردن حقانیت چنین بزرگداشتی کردند... و باز دامنه‌ی کار به آنجا رسید که نه تنها چند برنامه‌ی مجوزدار مرتبط در سراسر کشور لغو شد

بلکه همایشی علمی هم که در این زمینه تشکیل شده بود، حتی با وجود جابه‌جایی زمان برگزاری، مشمول این برخورد و لغو شدن قرار گرفت. و در مورد اخیر و جشن سده هم، در نمونه‌ای، شورای تأمین استانی از سمنی فرهنگی که قصد داشت بیرون از شهر آتش برپا کند تعهدنامه گرفت که چنین نکند! یعنی، ورود شورای تأمین یک استان از راه نیروی انتظامی در برنامه‌های یک سازمان مردم‌نهاد! پیش از این هم چنین برخوردهایی به‌گونه‌ی پراکنده انجام می‌شد که نمونه‌ی بارز، همیشگی و متمرکزش جشن چهارشنبه‌سوری است.

چون در موردی - در زمینه‌ی برپایی همایشی علمی برای کورش بزرگ - شخصاً در این زمینه طرف گفت‌وگوی نهادهای اطلاعاتی بودم دو دغدغه بود که بر روی آن تأکید داشتند: جلوگیری از بروز یا تعمیق شکاف قومیتی و هم‌چنین شکاف ایران اسلامی - ایران باستانی، که هر دو این دغدغه‌ها شریف است و مورد تأیید و پی‌گیری فعالان و سمن‌های ایران‌گرا نیز هست. به این دو مورد که رسماً اشاره شد می‌توان دو مورد دیگر را هم که همیشه وجودشان احساس می‌شود اما کمتر بر زبان آورده می‌شود افزود: تبلیغ چنین مناسبت‌هایی توسط رسانه‌ها و سازمان‌های مخالف حکومت در بیرون کشور، که طبیعتاً شامل رسانه‌ها و گروه‌های سلطنت‌طلب خواهد شد، چرا که دیگر گروه‌های مخالف نظام ایران هم چون چپی، غرب‌گرا یا مذهبی میانه‌ای با مناسبت‌های ملی ندارند؛ و دیگری، تبلیغ دینی زرتشتی، که در اولی سازماندهی‌ای سیاسی است که انگیزه‌ی مخالفت است و در دومی کششی مذهبی، که در هر دو مورد نظام ایران طبیعتاً حساس است.

حال، پرسش این‌جاست که آیا آزادی در برپایی مراسمی ملی، چه جشن‌های باستانی و چه مناسبت‌های ملی، برپاکندگانی را به چنان وضعیتی خواهد رساند و در پی آن، رودرویی با چنین کنش‌هایی و منع کردن برپایی چنین برنامه‌هایی ما را به وضعیت مطلوب رهنمون می‌کند؟ این، پرسشی بنیادین است و مواضع حکومتی نشان می‌دهد که چنین موضوعی برای مدیران نظام نیز بسیار اهمیت دارد که این‌چنین در این عرصه ورود کرده‌اند، از این رو اندیشیدن در این‌باره را باید به فراخوانی همگانی برای نظر دادن اندیشمندان بدل کرد.

من در این‌جا چند نکته را، که شاید پراکنده هم باشد، فقط به جهت مقدمه‌ای برای ورود به بحث و اندکی روشن کردن فضا عرض می‌کنم تا در فرصتی دیگر باز در این‌باره بنویسم:

۱/ درباره‌ی نگرانی از افزایش شکاف تاریخی (اسلامی - باستانی)، به گمان من، نمی‌توان یک سو را دید و سوی اصلی و بزرگ‌تر را ندید. یعنی نمی‌توان کوشش جوانانه برای زنده‌سازی بخشی از تاریخ و فرهنگ‌مان در فضای مجازی - یعنی تنها رسانه‌ی موجود در دست مردم - را دید و مورد نقد قرار داد، اما بی‌توجهی آشکار نهادهای رسمی (آموزش و پرورش، صدا و سیما و نهادهای بزرگ اقتصادی - دینی که به امور فرهنگی می‌پردازند) را ندید. یادم هست که استادی در برابر این نظر که به بار نشستن انقلاب را در تلاش‌های سیاسی گروه‌ها می‌دید خود شاه را مسؤول می‌دانست، چرا که در برابر تبلیغات محدود گروه‌های سیاسی و همراهی برخی رسانه‌های خارجی این حکومت بود که مهم‌ترین ابزارهای اطلاعاتی و رسانه‌ای را در دست داشت و نمی‌توانست از آنها به درستی، و با شناخت از تغییرات در عمق جامعه، بهره ببرد. پس، اگر دغدغه‌ای درباره‌ی شکاف یادشده وجود دارد باید گام‌های عملی برای رفع آن را برداشت.

با وجود چنین نقدی پایه‌ای، اما، با وجود سختی‌ها، آنها که برای مراسمی ملی می‌کوشند اتفاقاً ظریف و پی‌گیرانه

همواره توجه به این شکاف‌ها را در نظر داشته‌اند و نه تنها اکثر آنها کلیت تاریخ سرزمین‌مان را یک‌پارچه می‌بینند و توجه دارند که به شکاف‌هایی ساختگی هم‌چون «ایران باستان - ایران اسلامی»، «ایران پیشا‌آریایی و پیشا‌خامنه‌شی - ایران آریایی و هخامنشی»، ... و حتی «ایران قاجار - ایران پهلوی» بی‌توجه باشند [که گاهی برخی از این موارد توسط خود رسانه‌های ملی و حکومتی تبلیغ می‌شوند!] و آنها را کاملاً غیرایدئولوژیک و منطقی مورد نقد یا ستایش قرار دهند، بلکه همراهی همه‌ی اقوام ایرانی را هم همواره مد نظر دارند.

۲/ در مقام کسی که سال‌هاست کنشگر این حوزه است و بیشتر فعالان قدیمی آن را می‌شناسم بر این باورم اکثریت مطلق جوانانی که به این مناسبت‌ها احترام می‌گذارند یا به آن جشن‌ها تمایل دارند نه آن تمایل سیاسی را دارند و نه این گرایش دینی را، که هر چند در مورد اخیر طبیعتاً احترام به حضرت زرتشت و مبانی فکری او احترام به تاریخ و فرهنگ ایران است و از موضوع یادشده جداست. نکته‌ای که در این باره شایسته‌ی یادآوری است این است که معدود فیلم‌های پخش‌شده از برنامه‌ی هفتم آبان متمرکز بر جمعیت‌های محدودی است که شعارهایی سیاسی‌مآبانه سر می‌دادند و بعید است برادران اطلاعاتی حاضر در صحنه خود شاهد عدم همراهی اکثریت جمعیت با شعارها نبوده باشند و از آن فیلم نگرفته باشند. پس چرا با انتقال تصویری دقیق از ماجرا سبب تصمیم‌گیری درست نهادهای تصمیم‌ساز نمی‌شوند؟! چرا باید به بهانه‌ی جمعی محدود جمعیتی عظیم و در کل کشورمان را از چنین پتانسیل روانی و فرهنگی و اقتصادی عظیمی محروم کنیم؟ اگر برای مثال کسانی در راهپیمایی بیست‌ودوم بهمن‌ماه رفتارهایی مغایر با عُرف این برنامه داشته باشند ما مانع برگزاری کل مراسم خواهیم شد؟!

۳/ اکثر جشن‌های باستانی ایران جشن‌هایی زرتشتی نیستند و هم‌چون نوروز ماهیتی ملی دارند. زرتشتیان در دوره‌های سخت تاریخ ایران به مثابه‌ی نمایندگان ملت ایران با دادن جنبه‌ای مذهبی به آنها سبب حفظشان شدند، اما با این حال بخشی از این جشن‌ها (هم‌چون سده و مهرگان) تا دوران صفوی برپا بوده است و هم‌اکنون هم برخی از آنها با نام‌هایی دیگر در قالب خرده‌فرهنگ‌ها و رسوم محلی - حتی فراتر از مرزهای سیاسی ایران - باز مانده است. جدا از اهمیت نفس جشن برای جامعه هر کدام از این شادروزها مناسبتی انسانی و انسان‌ساز را با خود دارند که به‌ویژه در مقایسه با فرهنگی که به نام جهانی در حال گسترش و تبلیغ است از فلسفه‌ای عمیق برخوردارند و اصولاً ابزاری مهمی در این رویارویی فرهنگی هستند، که نمی‌توان در این نبرد بزرگ خود را از آنها بی‌نیاز دانست. برای نمونه، در همین روزها که جشن روز عشق (ولنتاین) در حال جا باز کردن در میان جوانان ماست جشن بسیار کهنی در میان اقوام باستانی این سرزمین وجود داشته که در آن از زن، به نمایندگی زمین و تجسد انسانی آن، که زندگی‌ساز است و نماد باروری و زاینده‌گی و فروتنی، تقدیر می‌کردند و او را گرمی می‌داشتند و کوشش‌هایش را قدر می‌نهادند. شماری از این جشن‌ها هم به موضوعاتی تمدنی اشاره دارند.

مانند جشن سده که در واقع پاسداشت کشف آتش در تمدن ایرانی است، که خود این موضوع آشکارا نشان‌دهنده‌ی غیرزرتشتی بودن آن است. شایسته‌ی اشاره است که سخنان گاه و بیگاه کسانی در مذمت برپایی چنین جشنی و اشاره‌شان به آتش‌پرست بودن ایرانیان - به‌ویژه در هنگامی چهارشنبه‌سوری - نه تنها از نظر لغوی و تاریخی ایراد دارد (واژه‌ی پرست در آتش‌پرست هم‌چون واژه‌ی پرستار به معنای نگهبان است و طبیعی است که آتش را، هزاران سال پیش، باید پرستاری و پاسداری می‌نمود تا خاموش نشود)، بلکه شایسته است به این عزیزان تذکر داد که امروزه کسی از این زاویه چنین حرکتی را نمی‌بیند هم‌چنان‌که تندیس‌های قرار گرفته در میدان‌ها هم به

معنای بت‌پرست بودن نیست!

۴/ سیاست‌گذاران هر چند در هنگامه‌هایی هم‌چون انتخابات فضا را برای عرضی سخنان و شعارها و حتی موسیقی‌های ایران‌گرایانه باز می‌گذارند گاهی فراموش می‌کنند که اگر قرار باشد جوانی‌گرایی‌های مذهبی‌اش ضعیف شود بهتر است ملی‌گرا باشد و به مردم و میهن‌مان بیندیشد تا چپی، جهان‌وطنی یا قوم‌گرا باشد و در قالب هر کدام، در مرتبه‌ای به این دو پایه‌ای آسیب بزند! البته در عمل می‌بینیم که این‌ها بسیار هم‌پوشانی دارند و به‌شخصه بر این باورم ملی بودن همه‌ی این موارد را در وجه مثبت‌شان شامل می‌شود، چرا که ایرانی، بدون کوچک‌ترین پیشینه‌ی جنگ‌های قومی و با کمترین نشانه‌ها از نبردهای دینی در تاریخ، همیشه خداجوی بوده، جهانی‌اندیشیده و فضای فکری‌اش به روی اندیشه‌ها و دانش‌ها باز بوده و وابستگی و فرهنگ قومی خودش را هم، ضمن تلاش در ساختن و اعتلای فرهنگی ملی، داشته و از این رو حفظ فرهنگ ملی – در همه‌ی ابعادش – پاسداری از این غنای فکری و تکرر اندیشه‌ای نیز هست.

۵/ در نهایت، سخن این‌جاست که آیا واکنش‌هایی که به این مناسبت‌های ملی نشان داده شده است، هر چند در ظاهر کوشیده می‌شود که منشاء این برخوردها معلوم نباشد و این تقابل آشکارا انجام نگیرد، به نتایج مورد نظر خواهد انجامید؟ یعنی برپا نکردن مناسبت‌هایی از این دست به پر کردن شکاف‌های قومیتی و تاریخی و عدم گرایش به نیروهای سیاسی سلطنت‌طلب و بی‌تمایلی به تغییر دین می‌انجامد؟ ما تجربه‌ی آشکاری از این برخوردهای سلبی و قاطع را داریم که با نگاهی به آنها می‌توان پاسخ این پرسش را داد. تقریباً موردی را نداریم که با منع جلو خواستی فرهنگی گرفته شده باشد، بلکه آن خواست فقط تعمیق یافته و پرتوان‌تر شده است. به سخن دیگر، برخورد با چنین مسایلی – جدا از آن‌که چنین برخوردی از نظر من نادرست است، چرا که نه تنها جزوی از فرهنگ ماست بلکه فرصت‌ها و سودش بسیار بیشتر از تهدیدها و ضررش است – به پیامدی در نقطه‌ی مقابل هدف از پیش تعیین‌شده دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی خواهد انجامید و ممکن است آن چهار دغدغه را تشدید کند، هم‌چنان‌که در این میان به‌شدت مورد سوءاستفاده‌ی نیروهای ایران‌ستیز قرار خواهد گرفت.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «سنگ اندازی‌ها در برگزاری جشن‌های ملی»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1900/pdf/سنگ-اندازی-ها-در-برگزاری-جشن-های-ملی.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵